

از منورالفکر تا شبه روشنفکری امروز



نیوشا طیبی‌گیلانی

روزنامه‌نگار

از میانه قاجاریه بود که اصطلاح «منورالفکر» در آثار مکتوب پیدا شد، منورالفکرها یا به سباقِ امروزی، روشنفکرها، چنانکه از نامشان برمی آید، افرادی بودند - و هستند - که پیش و بیش از دیگر افراد جامعه، تحولات پیشین و پسین را درمی‌یافتند و بر می‌رسیدند و بر حلقه‌های پیرامون شان تأثیر می‌گذاشتند. آن منورالفکرهای اول که با پیشرفت‌های عصر صنعتی اروپا مواجه شده بودند، حیرت‌زده از راه‌ان، کشتی بخار و محصولات صنعتی، در پی پاسخ‌دادن به پرسش‌هایی بودند با این موضوع که «چرا ما عقب مانده‌ایم؟ و حالا چه باید بکنیم؟»، باز یافتن ملیت، وطن‌خواهی، توجه به سرزمین مادری، زنده کردن افتخارات ملی، منسجم کردن ملت زیر یک پرچم و برقراری مشروطه هم کموبیش برون‌داد همان اندیشه‌موروزی‌ها برای پیدا کردن راه‌حل و نقشه‌راهی جهت گام گذاشتن در مسیر پیشرفت بود. بعد از آن روشنفکری چپ‌گرای توده‌ای برآمده از جذابیتهای جنبش جهانی چپ، فراگیر شد و البته که این مکتب، خدمات فرهنگی غیر قابل انکاری به کشور کرد. اگر پیشینه پژوهشگران، نویسندگان و فعالان تأثیرگذار حوزه اندیشه و فرهنگ در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ بررسی شود، سابقه توده‌ای و چپ در کارنامه بسیاری از آنها عیان است. هر چه از آن سال‌ها دور شدیم، جریان‌های شبه‌روشنفکری بیشتر پا گرفتند. این جریان‌ها بیش از آنکه اصل و یر پایه اندیشه‌ورزی باشند، به‌طور اهر روشنفکری اهمیت می‌دادند و آلوده به اغراض دیگری چون مرید و مرادبازی، کسب درآمد و حتی سوءاستفاده از زنان و دختران بودند و شوربوخانه هستند. سنت تشکیل محافل و بالاشینی مراد و حلقه زدن مریدان گرد او، شاید میراث هزاران‌سال تصوف در تاریخ ماست. همان شیوه به حلقه‌های شبه‌روشنفکری هم تسری پیدا کرد و شد آنچه امروز می‌بینیم. مثلاً عده‌ای در حیات و ممات فردک، مرید سینه‌جاک اویند و برای دفاع از او عندالزوم دست به چوب و چماق هم می‌شوند. آنها که خود را شفیفته و شیدا می‌نامند، او را خدای روشنفکری و آرای‌اش را وسی منزل می‌دانند؛ نقد شاعر مرحوم را کنه نابخودشی به حساب می‌آورند و به‌مثابه طرفداران فلان تیم فوتبال یا خواننده پ و راک، با خشنونت از او دفاع می‌کنند. اگر گفته‌شود که آن مرحوم فرازنشپ در شعر فراوان داشته، خطای فرهنگی هم کم نداشته، در سواد و نثر و نظم هم چندان ستاره درخشانی نبوده و نظرات‌اش درباره فردوسی و موسیقی ایران و دیگر مظاهر فرهنگ ملی، حاکی از کم‌اطلاعی او بوده، در واقعیت و مجاز بر سر گوبنده می‌ریزند و فحش باران‌اش می‌کنند. این بساط امروز رونق دوچندانی گرفته. اینکه در هر محفل، کافه و رستورانی، فلسفه، تاریخ و ادبیات می‌گویند و این جمع‌ها تبدیل به مجامعی برای پرداختن به امر فرهنگ شده، البته پدیده مبارکی است، اما عده‌ای هستند که به‌صرف داشتن مدرک تحصیلی و البته ادا و اطوار روشنفکری و اراده معطوف به سلبریتی‌شدن پای در این وادی می‌گذارند و شهرت، پول و چیزهای دیگری به ابزار فرهنگ به‌دست می‌آورند. مثلاً فراغ‌التصیل جامعه‌شناسی رامی‌شناسم- شما هم حتماً می‌شناسید - که ظاهری مانند بدنسازان حرفه‌ای دارد و مدعی است که بیش از ۱۰۰ کتاب نوشته است. در هر جا را که باز کنید، مریدانش را می‌بینید که نشسته و چشم بر دهان جامعه‌شناس بدنساز دوخته‌اند. حضرت‌اش در تمام شئون عالم صاحبنظر است و از تاریخ، فلسفه علم و هر چیز دیگری که فکر کنید، سر رشته دارد. سلبریتی‌شهر روشنفکر ما، با ظاهری غیر معمول، لابد در مدیریت زمان و کش دادن شبانه‌روز به بیش از ۲۴ ساعت هم تبحری ویژه دارد که می‌تواند روزانه، هم روز ش سنگین کند. هم ۱۰۰ جلد کتاب بنویسد، هم بی‌وقفه کارگاه و کلاس برپا و البته در برنامه‌های یوتیوبی هم شرکت کند. مکمل همه اینها که اعتبار سلبریتی‌شدن را تضمین می‌کند، شرکت در برنامه‌های شبه‌فرهنگی در پلتفرم‌هاست. یک دعوت به این برنامه و نشست جلوی مجری خوش‌نام و موجه، تضمین و تثبیت حضور در عرصه شبه‌روشنفکری است. ارائه نظرات غیر معمول و بی‌حساب ولی جنجالی، شکرد کای محسوب می‌شود و به مریدان حسی از ژرف‌اندیشی و طور دیگر دیدن می‌دهد. بی‌تعارف بگویم؛ فاجعه‌اما به‌همین جا ختم نمی‌شود، دایرکت اینستاگرام بسیاری از این شبه‌روشنفکران مثل از پیام‌های ردوبدل شده‌شان با زنان و دختران جوانی اسلو که حضرت استاد، قصد اغفال آنها دارند. جنبش «می‌تو» هم که نه شده و البته حضرات راه‌هایی هم آموخته‌اند که سندی از خود بر جا نگذارند. در پایان به عرض برسانم که درباره سواد رسانه‌ای و چگونگی تشخیص درست از نادرست در شبکه‌های مجازی فراوان گفته می‌شود، اما چنانکه رسم جامعه ماست و بر سر طرح موضوعاتی این چنین با هم تعارف داریم، کسی از راه‌های تشخیص آدم دانا از نادان حقیق‌پز مدعا صحبت نمی‌کند. اگر فقط اندکی تأمل در حرکات و سکنات این قماش سوءاستفاده‌کنندگان از فرهنگ و اندیشه، تشت آنها را با بام به زیر خواهد انداخت و رسوایشان خواهد کرد. در اینجا باید از علی دهباشی سخن گفت که عمری است یک‌تخته بیش از کل دستگاه فرهنگی کشور به حوزه‌های گوناگون فرهنگی خدمت کرده، کتاب و مجله منتشر کرده، یاد بزرگان را زنده نگه‌داشته و از هر کس که برای ایران خدمتی کرده، تجلیل کرده و خود به کناری ایستاده و نه دم و دستگاه و حلقه مریدانی برپا داشته و نه ژست و ادای روشنفکری و دگراندیشی گرفته، حدیث حافظ او و خدمتگزاران بی‌ادعای عرصه فرهنگ باشند و جامعه و جوانان ما را از بلای شبه‌روشنفکری به‌دور دارد.

۱۶ ساعت 24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰، تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱، آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷، نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لینتوگرافی و چاپ: هم‌میهن. • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۴۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۵۵

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمد جواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی



علیه نتفلیکس

ایلان ماسک در واکنش به تولید آثار نامناسب سینمایی و تلویزیونی مرتبط با کودکان، کارزار لغو اشتراک نتفلیکس را راه انداخته است



مسعود شاه‌حسینی

گزارشگر هم‌میهن

ایلان ماسک، میلیاردر معروف و مالک شرکت‌هایی مانند تسلا و اسپیس اکس که همین چندروز پیش ثروت‌اش از مرز ۵۰۰ میلیارد دلار گذشت، دوباره خبرساز شده است. او فراخوانی جدید به میلیون‌ها دنبال‌کننده خود در شبکه‌های اجتماعی داده و از آنها خواسته، اشتراک پلتفرم نتفلیکس خود را لغو کنند. درخواستی که شوک اقتصادی آنی به سهام این غول دنیای استریم وارد کرده و ارزش آن را کاهش داده است. ماسک، نتفلیکس را به ترویج ایدئولوژی تراجنسیتی و تبلیغات پرو-ترنس برای کودکان متهم کرده است؛ فصل جدیدی از جنگ فرهنگی و رابطه درهم‌تنیده رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی تحت‌کنترل میلیاردرها.

▼ انیمیشنی که جرقه کارزار شد

ایلان ماسک یکی از چهره‌های جنجالی جهان فناوری، سیاست و فرهنگ در سال‌های اخیر است. کسی که خود را آزادگوی مطلق توصیف می‌کند و به‌دلیل نظریات صریحی که دربارہ برخی جنبش‌های اجتماعی و فرهنگی دارد؛ هم محبوب است و هم منفور. محور اغلب تنش‌هایی که او در چندسال اخیر داشته، نمایش نمادهای تراجنسیتی در رسانه‌ها بوده است؛ به‌ویژه در برنامه‌های مخصوص کودکان. به‌نظر او، آشناسازی کودکان با مسائل جنسی یا هویتی در محصولات سینمایی و تلویزیونی بیش از اندازه و غیرضروری است و باید متوقف شود. نزاعی پردامنه که علاوه بر جناح‌های سیاسی در آمریکا، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را نیز درگیر کرده است.

فراخوان کارزار لغو نتفلیکس نیز محوری مشابه دارد. ماجرا درباره سربالی انیمیشنی به‌نام «بن‌بست» پارک فرازمینی‌ها» است که شخصیت اصلی آن تراجنسی است. این سریال که بعد از ساخت‌های بعدی‌اش در سال ۲۰۲۲ لغو شد، همچنان در پلتفرم نتفلیکس در دسترس است. در کلیبی که از این انیمیشن منتشر شد، شخصیت تراجنسی اثر، اظهار می‌کند که تراجنسی است و هرگز ابقدر خوشحال نبوده است. ماسک با بازنشر این ویدیو کوتاه و استفاده از استعاره‌هایی چون اسب تروآ برای نمایش نفوذ ایدئولوژی ووک، فراخوان داد که برای سلامت و ایمنی کودکان، نتفلیکس را لغو کنید. ماسک و کسانی که به نتفلیکس تاخته‌اند، می‌گویند که انیمیشن با رده‌بندی «مناسب برای کودکان ۷ سال به‌بالا» در حال تزریق ایدئولوژی ووک در پوشش محتوای کودکان است. واکنش تند و توهین‌آمیز خالق سریال همیش اسکیل و حواشی سیاسی مربوط به او نیز در عمیق‌تر شدن ابعاد بحران بی‌تأثیر نبود. پس از ترو چارلی کرک، فعال سیاسی راست‌گرای آمریکایی، اسکیل او را «نازی تصادفی» خواند و مرگ‌اش را به تمسخر گرفت. ماسک نیز با استفاده از این تلافی، فراخوان لغو اشتراک نتفلیکس را با ادبیاتی داد که در آن به چارلی کرک هم اشاره می‌کرد. او نوشت: «اگر کسی را استخدام کنید که قتل چارلی کرک را جشن بگیرد و محتوای پرو-ترنس را به فرزندان من تحمیل کند... هرگز یک سکه از من نخواهید گرفت.» او در روزهای بعد، پست‌های دیگری هم در شبکه ایکس (توییتر) که متعلق به خودش است، منتشر کرد. از جمله اینکه نوشت: «نتفلیکس عامدانه به افراد پول می‌دهد تا محتوای جنسی‌شده برای کودکان تولید کنند. آزادی بیان باید محترم شمرده شود، اما این «بیان پرداخت‌شده» است. نتفلیکس یا را فراتر گذاشته و دست در جیب می‌کند تا این موضوع را پیش ببرد.» از نوشت: «نتفلیکس در حال تربیت کودکان ماست.» پس از این توهین‌ها، هشتگ لغو اشتراک نتفلیکس به‌سرعت ترند شد. بسیاری از کاربران محافظه‌کار با او همراهی کردند و نتفلیکس را به ترویج پروپاگاندای جنسیتی متهم کردند.

▼ جنبش ووک‌ها و تجربه شخصی ماسک

حمله ماسک به نتفلیکس ریشه در نگرانی و بدگمانی او به جنبش فرهنگی ووک دارد؛ جنبشی که ریشه در فعالیت‌های مدنی گروه‌های حامی حقوق سیاهان در اتیوپی دهه ۱۹۲۰ میلادی و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی آن دارد که به هوشیاری، اطلاع‌رسانی و آگاهی‌سازی در برابر بی‌عدالتی‌های نژادی

و تهدیدهای اجتماعی اطلاق می‌شد. در دهه‌های بعد، از این واژه استفاده بیشتری شد؛ به‌خصوص با جنبش «جان سیاهان مهم است» به‌واژه‌ای پرکاربرد در گفتمان عمومی درباره آگاهی‌های اجتماعی و مبارزه با نژادپرستی تبدیل شد. در سال‌های اخیر، این اصطلاح به ابزاری برای نقد و حمله به سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی گروه‌های چپ‌گراتبدیل شده که با برچسب‌های تحقیرآمیز از آن استفاده می‌شود. ایلان ماسک، ووکر را «ویروس ذهن ووک» می‌خواند و معتقد است که این ایدئولوژی در حال فاسدکردن شرکت‌های آمریکایی است و جای شایسته‌سالاری را می‌گیرد. علاوه بر زمینه‌های سیاسی و فکری، زندگی شخصی ماسک نیز به‌ماجرا ابعدی پیچیده تر داده است. او دختری تراجنسی دارد که چندسال پیش جنسیت خود را تغییر داد و از همان موقع نیز رابطه‌ای پرتنش با او دارد. این تجربه شخصی به افکار و گرایش‌های خاص ماسک در میان محافظه‌کاران سنتی، وزن و اعتباری مضاعف هم داده است. به‌همین دلیل، بسیاری معتقدند درگیری‌ای که ماسک با نتفلیکس دارد، بیشتر از آنکه شخصی باشد، استراتژی‌ای سیاسی است که گرچه ممکن است آورده‌ای برای او داشته باشد، رسانه‌ها به‌ویژه پلتفرم‌های اجتماعی را میدان‌رنارزعاتی در میانیسی جهانی می‌کند.

▼ سکوت معنادار و هدفمند نتفلیکس

در مواجهه با فراخوان ماسک، نتفلیکس فعلاً استراتژی سکوت را در پیش گرفته است. این شرکت تا پایان سال ۲۰۲۴، بیش از ۳۰۱ میلیون مشترک جهانی داشته و برآورد می‌شود تا پایان نیمه دوم امسال، مجموع مشترکان آن به حدود ۳۱۲ میلیون برسد. از نظر مالی نیز درآمدی حدود ۴۵ میلیارد دلاری برای امسال نتفلیکس پیش‌بینی شده است. در بازار سهام تا پیش از بحران انیمیشن نماد NFLX، ارزش بازاری ۴۹۴ میلیارد دلار داشته است. عملکرد این غول استریم از ابتدای ۲۰۲۵، حدود ۳۰/۴۳ درصد در سال گذشته، ۶۲/۴۹ درصد رشد داشته است. با چنین بازدهی عملکرد مالی‌ای، به‌نظر می‌رسد نتفلیکس تاکتیک دوهدف را دنبال می‌کند. نخست اینکه از تبدیل شدن جنجال ماسک که قدرت رسانه‌ای و سیاسی بالایی دارد، به جنگ علنی تمام‌عیار جلوگیری می‌کند و ثانیاً با بی‌توجهی به او، به کارزاری که راه انداخته، اعتبار نمی‌دهد. همه این‌ها یعنی نتفلیکس ترجیح می‌دهد، ثبات مالی‌ای را بر دفاع از آثار خود ترجیح دهد. از روز یک اکتبر و با توثیت‌های ماسک، سهام نتفلیکس در بازار با کاهش روبه‌رو شد و در طول سه‌روز، ارزش بازار آن تا ۱۷ میلیارد دلار نیز کاهش یافته است. اگر چه آثار واقعی کارزار ماسک بر لغو اشتراک‌های نتفلیکس شاید به این زودی‌ها مشخص نشود، ولی افت سهام شرکتی که سهمی ۲۰ درصدی از صنعت جهانی استریم در اختیار دارد، آشکارا نشانه‌ای از قدرت اثرگذاری یک سلبریتی با نفوذ بر پلتفرم‌های اجتماعی است.

▼ خودسانسوری پلتفرمی

پیامد جدی اقدام ماسک، احتمالاً صنعت تولید آثار نمایشی را نیز متاثر می‌کند. استودیوها و پلتفرم‌های استریم ممکن است به این نتیجه برسند که سرمایه‌گذاری در تولید محتواهای مرتبط با مسائل بحشرانگیز، ریسک مالی و اعتباری داشته باشد و در نتیجه تنوع، برابری و شمول که پلتفرم‌ها در پی آن هستند، به‌طور ناخواسته تضعیف شود؛ چراکه آنها ترجیح می‌دهند پیش از آنکه درگیر بحران‌ی مشابه نتفلیکس شوند، به خودسانسوری در تولید محتوا روی بیاورند. کارزار لغو اشتراک، به‌نوعی تناقض بنیادین ادعای ماسک را نیز آشکار می‌کند. او در موقعیت‌های مختلف تأکید کرده که طرفدار آزادی بیان مطلق است و دائماً نیز علیه سانسور محتوا صحبت کرده است. بااین‌حال در موضوع نتفلیکس او از اهرم اثرگذاری الگوریتمی پلتفرمی که مالکیت‌اش را در اختیار دارد، علیه محتوایی استفاده کرده که با آن مخالف است. به‌موضع‌گیری ماسک از این زاویه، می‌توان ایراد وارد کرد. در نگاهی کلان‌تر، این پرسش جدی نیز پیش روی تحلیلگران و نظریه‌پردازان قرار گرفته است: آزادی، ایدئولوژی و گفتمان‌های فرهنگی در عصر پلتفرم‌های تحت کنترل ابرثروتمندان، چه معنایی دارد؟ در تجربه ماسک و نتفلیکس معنای آزادی اثرگذاری، بر بازارها و روایت‌های قریب‌ا‌قدرت اقتصادی پلتفرمی بود. کارزار لغو نتفلیکس اثباتی است بر این موضوع که هیچ محصول فرهنگی‌ای صرفاً موضوعی فرهنگی نیست؛ بلکه هزینه‌ای است که در بازار سهام پرداخت می‌شود و میلیون‌ها یا میلیاردها دلار از ظر چندساعت از بین می‌برد یا خلق می‌کند.

چهره

نوشتن را درمان می‌دانست

برخی نویسندگان این اقبال را دارند که با نخستین رمانی که منتشر می‌کنند، نامشان در تاریخ ادبیات جاودانه شود. احمد محمود هم یکی از آن خوش‌شانس‌ها بود که وقتی در سال ۱۳۵۳ «همسایه‌ها» را چاپ کرد، به شهرتی رشک‌برانگیز دست یافت. او البته از سال‌ها پیش می‌نوشت و از دهه ۱۳۳۰ مجموعه داستان‌هایی نیز از او به چاپ رسیده بود، اما خوب، آن اثری که برای او حسابی کار کرد، همین «همسایه‌ها» بود. البته دنیا گرد است و این فقط می‌تواند یک روی سکه باشد. پیش خود محمود که برویم، شاید بگوید چه اقبالی. این رمان که قبل و بعد از انقلاب، توقیف شد. به‌راستی هم درد این گرفتاری‌های نویسندگان با‌میمزی برای آنها تمامی ندارد. محمود از این‌نظر کم زخم نخورد اما قامت خم نکرد. نوشت و نوشت. از «داستان یک شهر» تا «زمین سوخته» از «مدار صفر درجه» تا «درخت انجیر معابد». کاری جز رسیدگی به «درد درمان‌ناپذیر» نوشتن، برای خود تعریف نکرده بود و بدین قرار جایزه‌ها در نگاه‌اش اصالتی نداشتند. اصل کار همانی بود که روی کاغذ می‌رفت و به‌دست خواننده‌ها می‌رسید. این نویسنده شهیر در ۱۲ مهر ۱۳۸۱ بر اثر بیماری ریوی درگذشت.



کتابخانه

در جست‌وجوی حقیقت سیال

رمان «شهر و دیوارهای دمدی»، اثری از هاروکی موراکامی به‌تازگی از سوی نشر نیلوفر وارد بازار شده است. موراکامی در این کتاب، مرز میان واقعیت و خیال، حقیقت و توهم را درنوردد و به قصه‌گویی و قصه‌گوین ادای دین کرده است. هاروکی موراکامی، خیال‌پرداز محبوب ژاپنی در «شهر و دیوارهای دمدی»، نه‌تنها به ظرافت به کارکرد دیوارهایی اشاره می‌کند که انسان‌ها میان خود و جهان بنا می‌کنند، بلکه خواننده را به چالشی برای شنیدن و شناختن آن‌سوی دیوارها یعنی سایه‌ها و وجوه پنهان و جوددعوت می‌کند. از طرف دیگر، در دل پیچیدگی‌های ظاهری داستان این کتاب، باور بنیادین موراکامی نهفته است. اینکه حقیقت، مطلق و ایستاییست؛ بلکه پیوسته در حال دگرگونی است. این رمان نه‌تنها تجربه‌ای از خواندن یک داستان، بلکه فرصتی است برای زیستن در جهانی چندلایه. جهانی که در آن، خواننده به جای گرفتارشدن در دیوارهای بسته معنا، به آزادی تخیل و درک چندوجهی دست پیدا می‌کند. این کتاب برای کسانی که دوست دارند با ذهنی باز از مرزهای واقعیت عبور کنند، گزینه مناسبی است؛ انتشارات نیلوفر آن را در ۴۸۸ صفحه و به‌قیمت ۴۸۰ هزار تومان چاپ کرده است.

شهر

و دیوارهای دمدی

نویسنده:

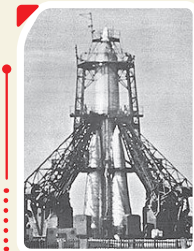
هاروکی موراکامی

مترجم: مهدی غبرائی

انتشارات: نیلوفر

تاریخ

پرتاب اسپوتنیک به فضا



۶۸ سال پیش در چنین روزی، اتحاد جماهیر شوروی اسپوتنیک ۱، نخستین قمر مصنوعی تاریخ جهان را در مدار زمین قرار داد. پرتاب اسپوتنیک به کمک یک موشک قاره‌پیمای صورت گرفت. این سرآغاز مسابقه فضایی میان اتحاد جماهیر شوروی و ایالات‌متحده بود. اسپوتنیک کلمه‌ای روسی به‌معنای «همسفر» است. ماهواره اسپوتنیک، ۸۳ کیلو ۶۰۰ گرم وزن داشت و در ارتفاع ۹۰۰ کیلومتری در مدار زمین قرار گرفت. اسپوتنیک در مداری که قرار گرفته بود، دور کره زمین را در مدت ۹۶ دقیقه پیمود. صدای «بیپ-بیپ» آن به‌زودی به یک صدای آشنا تبدیل شد. این پرتاب در بحبوحه جنگ سرد و پس از سرکوب وحشیانه قیام مجارستان در سال ۱۹۵۶ میلادی توسط شوروی، صورت گرفت. موفقیت شوروی در پرتاب اسپوتنیک ۱ به مدار زمین البته مدیون دانشمندان آلمانی بود که در زمان هیتلر در زمینه موشک‌های ۷۲ کار می‌کردند و پس از جنگ جهانی دوم به خدمت فاتحان جنگ درآمده بودند. بسیاری از روزنامه‌های آمریکایی آن دوره، این پرتاب را به حمله بی‌مقدمه ژاپنی‌ها به پایگاه نظامی پرل هاربر آمریکا در سال ۱۹۴۱ تشبیه کردند.